۱. پیمان ابراهیم به‌عنوان یک اسطوره توجیه‌گر

اسطوره‌ها، صرفاً افسانه یا تخیل نیستند؛ آن‌ها حقیقت‌های نمادینی هستند که به جوامع، معنا، هویت و یک چارچوب برای درک گذشته و چشم‌اندازی برای آینده می‌بخشند. روایت پیمان ابراهیم، دقیقاً چنین کارکردی را ایفا می‌کند. مهاجرت ابراهیم از «اورکلدانیان» به «کنعان» به‌عنوان یک مأموریت الهی برای تصرف و سکونت در سرزمین موعود، در اذهان نهادینه شده است. این اسطوره، به‌عنوان یک نیروی محرکه قدرتمند، نه‌تنها به بقای قوم یهود در طول قرون پراکندگی (دیاسپورا) کمک کرده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به جنبش‌های سیاسی مدرن، به‌ویژه جنبش صهیونیسم، عمل کرده است. این روایت، به صهیونیسم اجازه داد تا ادعاهای خود را نه براساس یک حرکت سیاسی، بلکه بر پایه‌ای الهی و تاریخی بنا کند. زنجیره علّی-معلولی این فرآیند به این صورت است که روایت سفر پیدایش، با نهادینه‌شدن در اندیشه دینی، توجیهی تاریخی و مشروعیت‌بخش برای ادعاهای قومی-ملیتی در دوره معاصر فراهم آورد.

۲. بازتولید روایت در فرهنگ عامه و هنر

نفوذ عمیق پیمان ابراهیم در فرهنگ، از طریق بازتولید مداوم آن در رسانه‌ها و هنر مشهود است. سینما با ساخت فیلم‌هایی، این داستان‌ها را به‌شکلی بصری و تأثیرگذار به مخاطبان جدید منتقل می‌کند. این بازتولید، روایت را در ذهنیت جمعی تثبیت کرده و به آن یک حیات جدید می‌بخشد. علاوه بر این، داستان ابراهیم به‌عنوان یک کهن‌الگو در ضمیر ناخودآگاه جمعی عمل می‌کند. این داستان در هنر نگارگری ایرانی و ادبیات نیز منعکس شده و برای بیان مفاهیم عمیق انسانی مانند ایمان، فداکاری و قهرمانی بازآفرینی می‌شود. این امر نشان می‌دهد که اسطوره، تنها ناظر به روایات دینی نیست، بلکه به‌عنوان یک منبع الهام برای بیان ایده‌های مدرن نیز عمل می‌کند.

کنترل روایت با کهن‌الگوها

۱. سازوکار عملکرد اسطوره و کهن‌الگو

روان‌شناس مشهور، کارل گوستاو یونگ، معتقد بود که در پسِ ناخودآگاه فردی، یک ناخودآگاه جمعی وجود دارد که مجموعه‌ای از دانش و تجربیات مشترک بشری را در خود جای داده است. در این ناخودآگاه جمعی، الگوهای ذاتی و موروثی به‌نام کهن‌الگو وجود دارد که رفتارهای غریزی را به ارث می‌برند و به تجارب انسانی شکل می‌دهند. کهن‌الگوها، تصاویری قدرتمند و از پیش‌تعیین‌شده هستند که اگر فعال شوند، می‌توانند بر ضمیرآگاه فشار آورده و رفتار را تحت‌تأثیر قرار دهند.

۲. کنترل روایت از طریق نشانه‌شناسی و پروپاگاندا

اسطوره‌ها به‌عنوان یک زبان عمل می‌کنند که می‌توان با تحلیل آن، به‌معنای عمیق‌تری دست یافت. جوهر یک اسطوره، نه در سبک بیان آن، بلکه در داستانی است که روایت می‌کند و معنای آن از ترکیب عناصر منفردش به‌دست می‌آید. نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی مانند رولان بارت، پدیده‌های مدرن مانند سیاست‌ها را به‌عنوان اسطوره‌هایی می‌بینند که در روابط تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اسطوره‌های سیاسی با هدف مدیریت آگاهی و تعیین رفتار جمعی توده‌ها به‌کار گرفته می‌شوند تا به یک رژیم سیاسی مشروعیت بخشند و در جهت اهداف آن همگرایی ایجاد کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل روایت، پروپاگاندا است که با هدف شکل‌دهی به باورها یا رفتار مخاطب صورت می‌گیرد. در این فرآیند، اغلب از اطلاعات نادرست، اغراق، یا سکوت‌های حساب‌شده استفاده می‌شود. یکی از قدرتمندترین تکنیک‌های پروپاگاندا، دوگانه‌سازی است؛ ساختن یک تصویر مثبت از «ما» و یک تصویر منفی از «دیگری». این شیوه، با حذف همدلی و پیچیدگی، انسجام روانی را تقویت کرده و به دشمن‌سازی می‌پردازد.

بازخوانی معاصر پیمان ابراهیم

در دوران معاصر، اصطلاح «پیمان ابراهیم» از یک مفهوم دینی به یک اصطلاح سیاسی (ائتلاف ابراهیم) تبدیل شده است که برای نام‌گذاری مجموعه‌ای از توافق‌نامه‌های عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و چندین کشور عربی به‌کار رفته است.

۱. تغییر چهره خاورمیانه

«ائتلاف ابراهیم»، توافق نامه‌هایی که در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به میانجی‌گری دولت دونالد ترامپ منعقد شدند، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم مهم در روابط خاورمیانه است. امارات‌متحده عربی و بحرین اولین کشورهایی بودند که پس از مصر (۱۹۷۹) و اردن (۱۹۹۴)، روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کردند و در ادامه، سودان و مراکش نیز به این روند پیوستند.

این توافق‌ها یک‌باره رخ نداد، بلکه ریشه در روندهای پیشین، از جمله فرآیند صلح مادرید و اسلو در دهه ۱۹۹۰ دارد که زمینه را برای گفت‌وگوهای دوجانبه پنهان میان اسرائیل و کشورهای عربی فراهم کرده بود. این روابط پنهان، با ظهور نیازهای مشترک امنیتی و اقتصادی در دهه‌های بعد، به توافق‌های علنی تبدیل شد. این تحولات به یک زنجیره علّی-معلولی جدید منجر گردید که در آن افزایش رقابت‌های منطقه‌ای و نیازهای امنیتی، به‌همراه نیاز اسرائیل به مشروعیت در منطقه و نیاز کشورهای عربی به فناوری‌های پیشرفته، به شکل‌گیری یک «ائتلاف عبری-عربی» در برابر «محور مقاومت» به رهبری ایران انجامید. یکی از اهداف اصلی این توافق‌ها، مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران بود. این توافقات به‌دنبال ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای تحت حمایت آمریکا هستند که در آن، اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر کلیدی شناخته شده و نفوذ کشورهای مخالف، به‌ویژه ایران، محدود شود. برخی معتقدند که این روند می‌تواند منجر به محاصره ژئوپلیتیکی ایران شود، به‌ویژه با احتمال حضور اسرائیل در نزدیکی مرزهای شمالی ایران از طریق کشورهای همسایه مانند آذربایجان. این امر می‌تواند فشار امنیتی و نظامی بر تهران را افزایش داده و توانایی آن برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای را محدود کند.

۲. اهداف و پیامدهای اقتصادی و سیاسی

توافق‌نامه‌های ابراهیم، عمدتاً بر پایه منافع پراگماتیک شکل گرفته‌اند. طرفین از این توافقات به‌دنبال دستاوردهای مشخصی بودند:

اسرائیل: کسب مشروعیت دیپلماتیک در منطقه، دسترسی به بازارهای جدید و تقویت ائتلاف‌های امنیتی و اطلاعاتی در برابر ایران. این توافقات به اسرائیل امکان داد تا فناوری‌های پیشرفته خود در حوزه‌های امنیت، دیجیتال، آب و غذا را عرضه کند.

امارات و بحرین: دسترسی به فناوری‌های پیشرفته اسرائیل، کسب منافع اقتصادی و تجاری قابل‌توجه (تجارت دوجانبه امارات و اسرائیل در سال ۲۰۲۱ به یک‌میلیارد دلار رسید) و تقویت روابط با ایالات‌متحده.

این توافقات پیامدهای مهمی نیز برای منطقه داشته است. ازیک‌سو، به افزایش تنش تسلیحاتی و تداوم جنگ به‌عنوان راه‌حل نزاع کمک کرده است. از سوی دیگر، با به حاشیه راندن آرمان فلسطین، شکافی در جوامع عربی و اسلامی ایجاد کرده که هیچ‌یک از توافق‌های عادی‌سازی قبلی نتوانسته بود ایجاد کند. این امر نشان‌دهنده گذار از ایدئولوژی‌های سنتی به رویکردهای مبتنی بر منافع اقتصادی و امنیتی است. از زمان انعقاد پیمان، روابط تجاری و اقتصادی میان اسرائیل و امارات شتاب چشمگیری داشته است. دفتر سرمایه‌گذاری ابوظبی شعبه‌ای در اسرائیل افتتاح کرد و حجم تجارت دوجانبه به‌سرعت رشد نمود. از منظر سیاسی، این توافقات با دورزدن و به‌حاشیه‌راندن مسئله فلسطین، به‌دنبال بازآرایی نظم خاورمیانه بودند.

۳. نقد نمادین‌سازی

انتخاب نام «ائتلاف ابراهیم» برای این توافقات، یک حرکت صرفاً تشریفاتی نبود، بلکه یک اقدام دیپلماتیک و تبلیغاتی (پروپاگاندا) هوشمندانه به‌شمار می‌رود. این نام‌گذاری، بر میراث مشترک ادیان ابراهیمی (یهود و اسلام) تأکید دارد و به‌دنبال مشروعیت‌بخشی به یک توافق سیاسی از طریق اتصال آن به یک میراث مقدس و مورد احترام جهانی است.

بیانیه رسمی این پیمان بر مفاهیمی چون همزیستی، گفت‌وگوی بین ادیان و فرهنگ صلح تأکید می‌کند اما منتقدان این نام‌گذاری را یک عمل تبلیغاتی می‌دانند که یک‌سری اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی را پوشش می‌دهد. این استفاده استعاری از نام «ابراهیم»، یک نمونه برجسته از چگونگی بازتولید استعاری یک روایت کهن برای اهداف سیاسی مدرن است. در این فرآیند، اسطوره نه‌فقط یک داستان، بلکه یک ابزار قدرتمند در روابط عمومی و دیپلماسی است که به سیاست‌ها مشروعیت می‌بخشد و چهره آن‌ها را در نظر افکار عمومی جهان ارتقاء می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که اسطوره‌ها چگونه می‌توانند به‌عنوان ابزارهای پویا، جهان را به جلو برانند.

اسطوره به‌عنوان نیروی محرکه تاریخ

بررسی جامع پیمان ابراهیم از ریشه‌های الهیاتی تا بازتاب‌های ژئوپلیتیکی، نشان می‌دهد که این روایت، یک مفهوم ثابت و منجمد در تاریخ نیست، بلکه یک مفهوم پویاست که در طول قرون، همواره بازتفسیر و بازآفرینی شده است. پیمان ابراهیم، چه به‌عنوان یک روایت مذهبی و چه به‌عنوان یک اصطلاح سیاسی، دو کارکرد اصلی در پیشبرد جهان داشته است:

نقش هویتی: این پیمان به‌عنوان یک اسطوره بنیان‌گذار عمل کرده است که یک حس سرنوشت و هویت جمعی را ایجاد نموده و به بقای یک قوم در طول قرون متمادی کمک کرده است. این روایت، هویت را با یک پیوند الهی و یک ادعای سرزمینی درهم آمیخته است.

نقش مشروعیت‌بخش: در دوران مدرن، این اسطوره به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک قدرتمند برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌ها و تغییرات ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از نام مقدس و مشترک ابراهیم، به توافق‌های سیاسی اجازه می‌دهد تا با عبور از مناقشات تاریخی، در قالبی مثبت و فراگیر ارائه شوند.

باید پذیرفت که اسطوره‌ها، تنها داستان‌های گذشته نیستند. آن‌ها نیروهای زنده و قدرتمندی هستند که می‌توانند به‌عنوان ایدئولوژی‌های سیاسی و ابزارهای دیپلماتیک، جهان معاصر را شکل دهند و جلو برانند. پیمان ابراهیم نمونه‌ای بارز از این فرآیند است که نشان می‌دهد چگونه یک روایت باستانی، همچنان به‌عنوان یک نیروی محرکه در قرن بیست‌ویکم عمل می‌کند.

بررسی جامع پیمان ابراهیم از ریشه‌های الهیاتی تا بازتاب‌های ژئوپلیتیکی، نشان می‌دهد که این روایت، یک مفهوم ثابت و منجمد در تاریخ نیست، بلکه یک مفهوم پویا است که در طول قرون، همواره بازتفسیر و بازآفرینی شده است. پیمان ابراهیم نشان می‌دهد چگونه یک روایت باستانی، همچنان به‌عنوان یک نیروی محرکه در قرن بیست‌ویکم عمل می‌کند

م الف ۷۷۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

موضوع: آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۵۰۷۹ مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عینعلی فلاح به شناسنامه شماره ۱۲۱۳ کد ملی ۶۰۲۹۲۱۳۵۴ صادره از سراب فرزند صفرعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۲/۲۲ مترمربع پلاک شماره ۶۷۱۳ فرعی از ۱۲۳ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهرری خریداری بموجب (سند انتقال قطعی ۶۷۲۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ دفترخانه ۲۰ شهرری) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۶/۳۱

سید مهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

م الف ۷۶۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

موضوع: آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۵۰۶۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ولی اله یوسف زاده کلتپه به شناسنامه شماره ۴ کد ملی ۱۴۶۶۶۴۶۱۸۷ صادره از اردبیل فرزند نورالله در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۸/۱۵ مترمربع پلاک شماره ۶۷۱۳ فرعی از ۱۲۳ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهرری خریداری بموجب (سند انتقال قطعی ۶۷۲۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ دفترخانه ۲۰ شهرری) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۶/۳۱

سید مهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان

فراخوان مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای)
شماره ۱۴۰۴/۵۸

نوبت دوم

شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان (به عنوان دستگاه مناقصه‌گزار) در نظر دارد خرید تجهیزات روتر صنعتی و متعلقات مربوطه به شماره ثبت ۲۰۰۴۰۰۱۴۰۶۰۰۰۰۳۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- **تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه: ساعت ۱۱ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶**
- **آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳**
- **آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه و پاکتهای پیشنهادی: تا ساعت ۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۶**
- **مهلت ارسال اصل پاکت الف: تا ساعت ۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۶**
- **زمان و محل بازگشایی پاکات مناقصه: ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۶**

ساختمان شماره ۱- طبقه اول سالن کنفرانس (اندیشه) شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان.

- **محل تحویل پاکت الف:** کرمان - بلوار شهید عباسپور - اداره دبیرخانه شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان کد پستی: ۷۶۱۴۶۵۳۱۴۳

تذکر مهم: تحویل نسخه اصل پاکت الف به صورت لاک و مهر شده به آدرس فوق الذکر الزامی می‌باشد.

- **مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:** مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت یک یا ترکیبی از ضمانتنامه‌های مندرج در ذیل:
- رسید واریز وجه به شماره شبا IR ۸۱۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۱۲۱۶۳۸۱۶۲۰۲۸ و شناسه واریزی ۳۶۳۱۲۱۶۵۹۲۲۴۵۰۰۸۱۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک مرکزی
- ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه‌های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی که دارای مجوز فعالیت از سوی بانک مرکزی هستند.
- سایر ضمانتنامه‌های مقرر در بندهای (پ)،(ج)،(چ)،(ح)،(خ) ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن.
- به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضاء، مشروط، مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهائی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

ضمناً این آگهی در سایت اینترنتی به آدرس‌های WWW.Tavanir.org.ir و http://iets.mporg.ir www.krec.co.ir در دسترس می‌باشد.

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان

شناسه آگهی: ۱۹۹۱۹۶۳

خوشنویسی زبانی فراتر از نوشتار

حسین نوروزی
پژوهشگر حوزه مطالعات هنر

در پهنه گسترده‌ای از جهان که از شبه‌قاره هند و آسیای میانه تا غرب آسیا، جهان عرب و بخش‌های وسیعی از آفریقا است، خوشنویسی جایگاهی بی‌مانند یافته است. خط در این جغرافیا نه‌تنها ابزاری برای نوشتار، بلکه زبانی برای بیان زیبایی، هویت و فرهنگ بوده است؛ زبانی که معنا و فرم را درهم‌آمیخته و تجربه‌ای فراتر از دیدن و خواندن پدید آورده است. این هنر با قدرتی فراتر از مرزها، توانسته همزمان ذهن و چشم را به تجربه‌ای بی‌بدیل دعوت کند و شکوه و عظمت تمدنی را در خود بازتاب دهد. از نخستین روزگارها، خط حامل پیام‌های الهی و فرهنگی بود. قرآن‌های اولیه با خط کوفی نگاشته شدند و تقدس نوشتار در تماس مستقیم با متن مقدس، جایگاه خوشنویس را ارتقاء داد. این هنر به‌سرعت از ابزار نوشتار فراتر رفت و تبدیل به پدیده‌ای شد که روح و ذهن انسان را با زیبایی و معنای ناب پیوند می‌داد.

هر حرف، هر کلمه و هر ترکیب، حامل لایه‌ای از معنا و فرهنگ بود و در بسیاری از موارد، خط به‌شکل جادویی خود، محملی برای تجربه‌های معنوی و زیبایی‌شناختی شد. خوشنویسی در این جغرافیا به عرصه فرم و تصویر نیز پا گذاشت. خطوط معقلی و بنایی، نمونه‌هایی برجسته از انتزاع و هندسه در هنر اسلامی‌اند. خط بر دیوارهای مسجدها، کاشی‌ها، کتیبه‌ها و حتی در صنایع‌دستی حضور یافت؛ جایی که کلمات خود به تصویر تبدیل می‌شدند و فضای زندگی روزمره را به صحنه‌ای از هنر بدل می‌کردند. این فرم‌های انتزاعی نه‌تنها چشم را می‌نوازند، بلکه ذهن را نیز به تأمل و کشف وامی‌دارند و هر نگاه، معنای تازه‌ای از ترکیب خط و فضا آشکار می‌کند. ویژگی متمایز خوشنویسی در این سرزمین، همزیستی معنا و فرم است. خطوط نستعلیق و ثلث، هم حامل متن و پیام‌اند و هم شکل‌هایی تصویری که چشم و روح را نوازش می‌دهند. حتی در نقاشی خط معاصر، این همزیستی گاه به سود فرم پیش می‌رود و معنا در دل زیبایی و انتزاع پنهان می‌شود، تا نگاه بیننده را به تجربه‌ای تازه دعوت کند. این تلفیق معنای کلامی با ریتم و حرکت خطوط، از خوشنویسی یک هنر همه‌جانبه و چندوجهی ساخته است. خوشنویسی در جغرافیای جهان اسلام به شناسنامه‌ای بصری بدل شده است. اگر در غرب نقاشی و پیکره‌سازی مرکز هنرهای زیباست، در این سرزمین‌ها خط این نقش را ایفا کرده است. مسجدی بدون کتیبه و قرآنی بدون خوشنویسی، ناقص می‌نمایند. خط با معماری، شهرسازی و فضای عمومی، پیوندی عمیق یافته و ردپای آن در تزئینات، کتاب‌آرایی، فرش و منسوجات مشهود است. این هنر همواره هویت فرهنگی مردم را بازتاب داده و با زبان تصویری خود، تاریخ، اخلاق و باورها را منتقل کرده است. با گذر زمان و ورود به عصر مدرن، خوشنویسی بار دیگر بازخوانی شد. هنرمندان نوگرا در ایران، ترکیه و جهان عرب، خط را به عرصه هنر معاصر آوردند. نقاشی خط، یکی از برجسته‌ترین جریان‌های هنر امروز است و توانسته مخاطبان جهانی را جذب کند. آثار این هنرمندان هنوز هم ظرفیت بی‌پایان خلق فرم و معنا را به نمایش می‌گذارند و هر اثر، ترکیبی از سنت و نوآوری است که همزمان چشم و اندیشه را درگیر می‌کند. مبانی و مفاهیم خوشنویسی، به‌طور کامل در مباحث زیبایی‌شناسی غرب نیز قابل فهم و کاربرد هستند. ریتم، هندسه، انتزاع و ترکیب‌بندی همه از ارزش‌هایی‌اند که نظریه‌پردازان غربی نیز به آن‌ها پی برده‌اند و در بسیاری موارد از آنها الهام گرفته‌اند. خوشنویسی جغرافیای جهان اسلام، راهکارهایی دقیق برای فهم فرم، فضا و بیان هنری ارائه می‌دهد که جهانیان آن را ستوده‌اند و از آن درس‌ها گرفته‌اند. هنر مدرن و معاصر غرب، بارها از این میراث بهره برده است؛ از جنبش‌های انتزاعی قرن بیستم تا تجربه‌های مفهومی و بینارشته‌ای. حضور خط در آثار هنرمندان غربی، گواهی است بر جهانی‌بودن این سنت و توانایی آن در ایجاد زبان مشترک هنری فراتر از مرزها. همزیستی معنا و فرم، ریتم و هندسه خطوط، و قدرت انتزاعی خوشنویسی اسلامی، به هنرمندان غربی در بازآفرینی فضا، حرکت و فرم الهام بخشیده است. نتیجه اینکه، خوشنویسی در جغرافیای جهان اسلام از آغاز تا امروز، مسیری درخشان و پرافتخار پیموده است؛ از کتیبه‌های نخستین تا آثار نوگرای معاصر، همواره فراتر از نوشتار صرف بوده است. هنرمندان نوگرا با بازخوانی سنت‌ها، خط را وارد گفتمان جهانی هنر کرده‌اند. آثار آنان در حراج‌های معتبر بین‌المللی، از کریستیز و ساتبیز تا بازارهای اروپا و آمریکا، با قیمت‌های گزاف خریدوفروش می‌شوند و سرمایه‌گذاران جهان عرب نیز بر ارزش آن صحه می‌گذارند. موزه‌های بزرگ نیویورک، لندن و دیگر پایتخت‌های هنری، داشتن آثاری از این هنرمندان را مایه افتخار می‌دانند و مدام در پی خرید و نگهداری آن‌ها هستند. این روند نشان می‌دهد که خوشنویسی و شاخه‌های نوین آن نه‌تنها میراثی هویتی و فرهنگی، بلکه سرمایه‌ای جهانی است. نتیجه اینکه، خوشنویسی میراثی زنده، بالنده و الهام‌بخش است؛ هنری که ریشه‌های هویتی خود را حفظ کرده و در دل هنر مدرن و معاصر جهان، جایگاهی درخشان یافته و به یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای هنری بشر بدل شده است.